

زمان کنونی یعنی سال ۱۴۰۴ برای گذر از همه مسائل و چالش‌ها برای اینکه امر ملی هم محقق شود آیا امکان تجدید نظر در مبانی تعریف شده در جمهوری اسلامی وجود دارد؟

یک ذهنیتی وجود دارد به لحاظ اجتماعی و آن هم این است که در فکر سیاسی موضوعی یک بار گفته می‌شود و تمام، اما در واقع اندیشه سیاسی پاسخی تئوریک است به مسائل انضمامی جامعه. یعنی مسائل اجتماعی عمدتاً سابقه تاریخی نداشته بلکه یک باره روی می‌دهند و حالا باید متفکر دینی نظر خود را درباره آن بگوید. مثلاً وقتی آقای نایینی می‌آید پاسخ دهد به عنوان یک مسئله انضمامی جدید یعنی به سمت تعریف و تنظیم و پاسخ آن رفته است. جمهوری اسلامی هم یک مسئله جدید است.

حالا باید صورت‌بندی آن شکل بگیرد. همان طور که جلوتر آمدیم تفکر دینی می‌تواند صورت‌بندی‌های مختلفی برای آن داشته باشد. اما در مسائل اجتماعی مهم اندازه یک مسئله در هندسه فکر دینی است. مثلاً یکی از موضوعات پرقدرتی که امام(ره) را وارد مبارزه کرد مسئله کاپیتولاسیون بود. مخاطب مذهبی دهه ۴۰ فکر می‌کند چه فسق و فجور بزرگی شده که امام(ره) این گونه موضع می‌گیرد. مسئله استقلال ملی مطرح بود. امام(ره) در مورد حجاب هم صحبت کرده اما اندازه‌ای که دارد به آن می‌پردازد در مقایسه با مسائل دیگر مطرح هست. یا در سخنرانی ۲۲ بهمن مسئله امام(ره) حق تعیین سرنوشت جمعی است. بنابراین وقتی بحث حجاب را هم داریم اینکه در نظام مسائل مطرح شده کجا قرار می‌گیرد مهم است. حجاب یک مسئله است که مستقیماً خودش خیلی قابل مراجعه نیست.

حجاب سرریز مسائل زیادی از بخش‌های مختلف است که در حجاب ظهور می‌کند.

شما وقتی می‌خواهید با حجاب مواجه شوید باید بروید سراغ سرچشمه و گرنه هیچ گاه مواجهه مستقیم با این مسئله پاسخگو نیست. وقتی انقلاب پیروز شده و مطالبات عمومی مانند رفع نابرابری و فقر، استقلال کشور و پیشبرد رضایت مردم جلب شود، مردم همراه می‌شوند.

می‌خواهم بگویم مسائل اجتماعی مانند حجاب پاسخ‌های ساده و مستقیمی ندارد؛ چرا که از دل خیلی از مسائل دیگر شکل گرفته است. با این حال در آن فکر دینی هم باید جایگاه و حد آن مشخص باشد و به اندازه به آن توجه کرد.

■ پس ما می‌توانیم این گونه نتیجه بگیریم که امکان اصلاح و شاید بتوان گفت تغییر مبانی وجود دارد؛ چراکه برخی مبانی ممکن است در برخی برهه‌ها مهم‌تر تلقی شوند و به تحولات اجتماعی بستگی دارند و آن می‌تواند امر ملی به معنای عام را محقق کند. با توجه به شرایط جاری به اعتقاد شما آنچه می‌تواند به عنوان بن‌مایه امر ملی ما باشد و هم‌را با ذیل یک مفهوم جمع کند چه دغدغه و مسئله‌ای است؟

به اعتقاد من آنچه در این مقطع امر عمومی و ملی را به معنا و جهت‌های مختلف نمایندگی می‌کند و می‌شود روی آن اجماع کرد مفهوم ایران است.

این چیزی است که نباید از دست برود یعنی نباید خود ایران را وارد مناقشه کنیم. ایران به عنوان یک موجود هویتی و سرزمینی مطرح بوده و چیزی است که اجماع را در پی دارد و ما اگر تفسیری هم داریم این می‌تواند یک دال محکم برای سازماندهی امر ملی باشد.



رهبر دینی متکی بر توانایی ایمانی می‌تواند ظرفیت اراده و تصمیم را برای خود حفظ کند و این در جریان انقلاب و جنگ ۱۲روزه اخیر به منصفه ظهور رسیده

مذهب همه ساختارهای سیاسی است؟ یک الگو در این باره که از سوی جمهوری اسلامی ارائه شده، مردم‌سالاری دینی است. این صورت‌بندی مهم است، اما اگر ما در مسائل اجتماعی دچار اختلاف هستیم باید عرصه‌ای برای حل و فصل اختلاف که مورد پذیرش همگان باشد وجود داشته باشد.

به طور نمونه وقتی خانم اوریاننا فالاجی از امام(ره) پرسید شما برای اسلام یا دموکراسی انقلاب کردید؟ ایشان فرمودند: برای اسلام انقلاب کردیم اما همه این خصلت‌هایی که گفتید در آن هست. یعنی امام(ره) یک اسلام فراگیر معرفی می‌کنند. شما اگر می‌خواهید استقلال کشور و پیشرفت، محقق و نابرابری و فقر حل شود همه در آن هست.

در بحث‌های اجتماعی و اینکه چگونه انسجام اجتماعی را حل کنیم هم این مهم است که چه موضوعاتی در دستور کار قرار می‌گیرد. مثلاً یک وقتی حجاب را از طریق حکومت در دستور کار قرار می‌دهیم ضمن اینکه فقر، مشکلات اقتصادی و غیره هم هست. خوب در اینجا حتی اگر استدلال‌های فقهی هم بیاوریم شاید فایده‌ای نداشته باشد؛ چراکه اولویت و مناسبات جامعه را در نظر نگرفته‌ایم و این با واکنش اجتماعی هم مواجه می‌شود.

وقتی حجاب را از طریق حکومت در دستور کار قرار می‌دهیم در ضمن اینکه مشکلات اقتصادی هم هست، شاید حتی استدلال‌های فقهی هم فایده نداشته باشد چراکه اولویت‌های جامعه را در نظر نگرفته‌ایم

■ آن‌هایی که خیلی دغدغه‌مندانه بحث حجاب را پیش می‌کشند از زاویه دید مبانی جمهوری اسلامی می‌کنند. مثلاً می‌توان پل زد به سخنان رهبر معظم انقلاب در روز شهادت امام رضا(ع) که اشاره کردند به نفی نگاه‌هایی که معتقد به تجدید نظر یا تغییر اساسی در مبانی جمهوری اسلامی است. ایشان اما تأکید داشتند این مبانی را می‌توان اصلاح کرد یا چیزهایی را به آن اضافه کرد. ما اگر از این دید نگاه کنیم در

پرویز امینی در گفت‌وگوی اختصاصی با قدس تشریح کرد

رهبری دینی و تحقق امر ملی



جواب بدهد و سیستم اجتماعی هم در پی آن امکان غلبه بر بحران را پیدا می‌کند و انسجام اولیه اش که ناشی از تهدید مشترک وجودی است، دوام و قوام می‌یابد.

اما وقتی که تهدید تمام جامعه را هدف گرفته مسلماناً دفع تهدید از منظر یک قشر خاص یعنی مذهبی مد نظر نیست بلکه برای همه معنا پیدا کرده و همه پشت نظام قرار می‌گیرند. غیر از تکیه‌گاه، رهبری کارکرد گرانیگاه و مرکز ثقل هم در این فضا پیدا می‌کند، یعنی میدانی فراهم می‌کند که همه نیروهایی که لازم است در یک جهت قرار گیرند؛ بدنه سیاسی، اجتماعی، رسانه‌ای و نیروی نظامی با قدرت هم‌افزا می‌شوند.

■ با این حال هر مقدار زمان که می‌گذرد تداوم این وضعیت اتحاد طبیعتاً می‌تواند سخت‌تر شود. الان هم در یک حالت آتش‌بس هستیم. شرایطی که توانست ما را در جنگ ۱۲روزه به لحاظ رهبری و شرایط جامعه در سطح بالایی قرار دهد با چه تهدیدها و خطراتی می‌تواند مواجه شود؟

وقتی جامعه در شرایط بحران است یک جور با مسائل مواجه می‌شود ولی وقتی احساس می‌کنیم از بحران عبور کرده‌ایم صحنه تغییر می‌کند؛ همه به دنبال همان دعوای گذشته رفته و تعارضات باز یابی می‌شود.

بنابراین برای مدیریت اوضاع آنچه نیاز داریم یک انسجام اجتماعی ایجابی و بادوام است نه انسجام که در پاسخ به بحران شکل بگیرد و منوط به شرایط و موقتی باشد. این هم مسیر دیگری برای شکل‌گیری دارد. ما به یک دستگاه گفتمانی نیاز داریم که بتواند یک ادراک و یک نظام معنایی بسازد که این انسجام اجتماعی در عین کثرت، اختلاف و تفاوت‌ها کار کند.

در این باره رهبر معظم انقلاب هم یک کلیدواژه با عنوان «امر ملی» داشتند. ما باید بتوانیم به یک دستگاه گفتمانی حول و حوش امر ملی برسیم. امر ملی یک امر عمومی، همگانی و مشترک بین همه است.

■ چه چیز می‌تواند این نقش را ایفا کرده و تبدیل به گفتمان ملی شود به گونه‌ای که همه با وجود اختلاف سلیقه و مبانی بتوانند دورش جمع شوند؟

با توجه به موارد گفته شده، اینکه ما در سپهر سیاسی و ملی کشور به مفهوم امر ملی برسیم بسیار مهم است، یعنی علاوه بر اینکه ما باید مناسبات سیاسی داشته باشیم که اختلافات سیاسی و اقتصادی خود را پیدا می‌کند، در ضمن آن فضایی فراتر به نام امر ملی داشته باشیم و شهروندان مقید باشند غیر از اینکه ملاحظات و منافع شخصی و فرهنگی خود را دنبال می‌کنند به این امر ملی هم متعهد باشند.

امر ملی آن صورت‌بندی فکری است که ما برای ساخت سیاسی تعریف می‌کنیم. یک تلقی از جمهوری اسلامی تلقی ۱۲ فروردین ۵۸ است که ۹۸٫۲ درصد جامعه به آن آری گفتند درحالی که همه رأی دهندگان از زاویه

مهدی حسن‌زاده - مهدی خالدي | نزدیک به سه ماه از پایان جنگ تحمیلی ۱۲روزه و برقراری آتش‌بس نیم‌بند میان ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌گذرد. با این حال شرایط جاری نیز چیزی کم از صحنه نبرد نیست و دو طرف به جد در حال بازسازی و بازآرایی در همه حوزه‌های تقابل هستند. اکنون در کنار همه ضرورت‌های اقتصادی و نظامی که برابر دشمن تدارک آن لازم است، در حوزه اجتماعی نیز مسائلی وجود دارد. در این ایام حساس و خطیر قطعاً از نقش بزرگ رهبر معظم انقلاب به عنوان عمود ایران اسلامی در گذر کشور از این گردنه مهم نمی‌توان غافل ماند. ملت ایران هم فارغ از طیف‌بندی‌ها، اختلاف سلیقی و جناح‌ها در جنگ ۱۲روزه به مانند ید واحده وارد میدان شد و پشت نظام و کشورش درآمد و شاید یکی از مهم‌ترین دلایل عقب‌نشینی دشمن را باید در این مسئله دید. با این حال حفظ این اجماع و اتفاق مبارک نیاز به تدابیر خاص و ویژه دارد که باید از سوی سیاستون مورد توجه قرار گیرد. در گفت‌وگو با دکتر پرویز امینی؛ نویسنده، مدرس دانشگاه و متخصص جامعه‌شناسی سیاسی الزامات جاری جامعه ایرانی را به بحث گذاشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ ۳۱ شهریور ۱۴۰۴ و آغاز هفته دفاع مقدس را در حالی پشت سر گذاشتیم که دومین تجربه جنگ یا به عبارت دیگر دفاع مقدس را همین چند وقت پیش تجربه کردیم. با توجه به تجربه‌های تاریخی در دوران معاصر، جایگاه رهبر معظم انقلاب به عنوان رهبر دینی و سیاسی در جنگ ۱۲روزه و گذر از این شرایط سخت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به لحاظ تاریخی باید توجه داشت در حداقل ۲۰۰ سال گذشته تا جنگ تحمیلی هشت ساله، وقتی ایران در معرض تهدید نظامی قرار گرفته نتوانسته از موجودیت سرزمینی خود دفاع کند. نخستین بحرانی که در ایران معاصر به وجود آمد و مشکل جدیدی برای جامعه شکل داد جنگ‌های دوگانه با روسیه در اوایل قرن ۱۹ بود که در پی آن طی دو قرارداد گلستان و ترکمنچای بخش بزرگی از سرزمین ما جدا شد. در زمان یکی دیگر از شاهان قاجار قرار بود هرات به ایران برگردد که با اولتیماتوم انگلیس، ما از اقدام نظامی پا پس کشیدیم و این گونه این جغرافیا هم از دست رفت. بعد ماحوادث و ماجراهای دیگری مثل شهریور ۱۳۲۰ را داریم که کشور کاملاً اشغال شد.

اما آنچه در جنگ تحمیلی هشت ساله برای نخستین بار در تاریخ معاصر اتفاق افتاد این بود که ما مورد تهدید نظامی واقع شدیم و این در حالی است که ما شروع‌کننده تهدیدی نیستیم اما قادریم مرزهای ملی و تمامی سرزمین و موجودیت کشور را حفظ کنیم که این در جنگ ۱۲روزه تکرار شد و جمهوری اسلامی توانست از ایران صیانت کند و دشمن سلطه گرو نیرومند خود را به ترک جنگ وادار کند.

اینجا یک عنصر مهم در ایجاد توانایی برای حفظ موقعیت سرزمینی به نام رهبری دینی وجود دارد.

رهبری دینی از جنبه‌های مختلف می‌تواند در بحران کارکرد داشته باشد؛ جریان تحریم تنباکو، پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی نمونه‌هایی از این دست بود. رهبری دینی امکان‌هایی دارد که این شخصیت را از سایر کسان، رهبر جنبش‌ها، جریان‌ها و اعتراض‌ها متمایز می‌کند و آن رهبری درونی و ایمانی است. رهبر دینی متکی به این ابزارها می‌تواند ظرفیت اراده و تصمیم را برای خود حفظ کند و مرعوب و مقهور نابرابری‌های مادی نشود و این در جریان انقلاب و جنگ ۱۲روزه اخیر از سوی امامین انقلاب به منصفه ظهور رسید.

نکته دیگر این است که جامعه ایرانی یک جامعه دینی و مذهبی است و وقتی رهبری با این فصل و اشارات دینی مشترک وارد تعامل با جامعه شود امکان بسیج اجتماعی پیدا می‌شود و می‌تواند قدرت و صحنه اجتماعی را از نیروی مردمی پر کند. این وضعیت یک ظرفیت دیگر به رهبری دینی برای حل و فصل بحران‌ها می‌دهد.

رهبری دینی درجمع آن توانایی ایمانی به علاوه این پتانسیل اجتماعی در حکم «تکیه گاه اجتماعی» قرار می‌گیرد.

■ آقای دکتر، یک مثال نقض درباره نکته گفته شده می‌تواند این باشد که ما در جریان جنگ ۱۲روزه دیدیم که صرفاً بخش مذهبی جامعه پشت رهبری قرار نگرفت، بلکه جریان‌هایی که ممکن است نقد جدی هم به حاکمیت داشته باشند از پشت نظام درآمدند. به نظر می‌آید یک عامل دیگر در این وحدت‌بخشی غیر از مذهب هم دخیل باشد.

توجه داشته باشید که اینجا صرفاً مذهب برای مذهب نیست. مذهب در واقع به لحاظ فردی رهبری را در موقعیتی قرار می‌دهد که تزلزل پیدا نمی‌کند. این در حالی است که در طرف مقابل وقتی جامعه هم در بحران است به تکیه‌گاه نیاز دارد که بتواند به آن اعتماد کند و رهبر دینی این تکیه‌گاه است. در جنگ ۱۲روزه یکی از نقش‌هایی که رهبری معظم ایفا کردند همین تکیه‌گاه اجتماعی بود و اینکه توانستند سیستم را سر پا نگه دارند.

علت جنگ ۱۲روزه در سه چیز بود؛ نخست اینکه ایران از راه‌های مختلف مانع اصلی دستیابی به اهداف آن‌ها بود که می‌خواستند دست برتر منطقه‌ای را داشته باشند بنابراین آن‌ها باید به سمت مقابله با ایران می‌رفتند که یا تضعیف شود مانند ۱۳۲۰ و یا تجزیه - نه به معنای معمول آن - مانند قرارداد ۱۹۰۷ که شمال و جنوب کشور میان روسیه و انگلیس تقسیم شد. علت دوم درک ضعیف از ساختار سیاسی ایران و هدف سوم اینکه آن‌ها احساس کرده بودند که اگر ایران فرصت پیدا کند خود را بازسازی خواهد کرد.

با هدف فلج کردن سیستم و القای فروپاشی سیاسی در جامعه هم ابتدا ساختار فرماندهی هدف قرار گرفت. اما در حالی که نیروی نظامی ضربه خورده و نیروی اجتماعی هم روحیه خود را باخته اینجاست که رهبری تکیه‌گاه قرار می‌گیرد و ساختار نظامی در کمتر از ۲۴ ساعت می‌تواند